راهنمای تقریرات حلقه ثالثه :

این تقریرات از روی صوت حلقه ثالثه استاد محمدحسین ملک زاده تقریر شده­اند؛ در متن تقریر پیش رو شماره­هایی می­بینید که متشکل از شماره نکته­ی تقریر شده و شماره­ صفحه­ی مد نظر است ( مثلا 5/150 تقریر 5 در صفحه 150 ) این شماره را از فایل جانبی در پوشه اصلی همین تقریرات بنام " متن عربی حلقه ثالثه برای تطبیق متن تقریرات با متن اصلی " میتوانید ببنید تا متوجه بشوید که هر تقریر ذیل چه متنی گفته شده است. در ضمن در خود تقریرات، متن عربی حلقه ثالثه ، که تقریر ذیل آن انجام شده برای استفاده سریعتر آورده شده است. خوشحال میشویم هرگونه اصلاح متنی که انجام دادید یا نظرات خود را برای ما بفرستید. جهت ارتباط با ما : 09363211730 ، پیامرسان­های ایتا و بله؛

\*- صوت 147 ادامه الاصول التنزیلیه و المحرزه

\*- 1/324 :

در حالت اول گفتیم اصول عملیه شرعیه غیر بحته که نظر به واقع دارند که در نوع اول المحتمل را نازل منزله واقع در نظر میگیرفتیم. یک کاشف داریم و یک مکشوف داریم. طریق و کاشف یک چیز است مثل امارات اما اون مکشوف یا المنکشف فی الطریق به اون مودی هم میتوانیم بگوییم.

در حالت اول که اصل عملی تنزیلی اسمش را میگذارند جایی است که آن منکشف فی طریق یا مودی یا مکشوف، جایی است که میان این را تنزیل میکنند به منزله واقع. مثل اصالة الطهاره؛ مولی فرموده صل فی ثوب الطاهر؛ اینجا طهارت واقعی مدنظر است. بعد میگوییم من این لباسم را اصالة الطهاره جاری میکنیم. اما پاکی واقعی منظورم نیست بلکه پاکی اصالتی یعنی طهارت ظاهری. الا انه که میگوییم اصالة الطهاره اصل عملی تنزیلی است یعنی منکشف ظاهری را تنزیل میکند به منکشف واقعی. همانطور که شما لباسی را شخصا آب بکشید و میدانید واقعا پاک است. مثل همین لباسی که میدانستند واقعا پاک است و با آن نماز میخواندید حالا هم که اصالة الطهاره را جاری کردید و گفتید طهارت تنزیلی طهارت واقعی و در آن نماز میخوانید.

در حالت دوم : خود طریق یا خود کاشف را نازل منزله یقین در نظر میگیریم. فرض کنید کاشف ما یک اصل عملی است یا یک اماره است و کاشفیت آن 80 درصد است لکن آن را نازل منزله یقین در نظر میگیریم. بهش میگوییم اصل عملی محرز یعنی اصل عملی که میخواهد احراز کند حقیقت امر را و واقعیت را و مثل قطع میماند.

در مورد استصحاب ادعا شده است که اصل عملی محرز است ، به این معنا که میرزای نائینی میفرماید در استصحاب آن چیزی که جعل شده است علم است منتهی به لحاظ مرحله جری عملی یعنی ما در مقام عمل و تعامل مان با استصحاب تعامل علم با اون داریم، آقای خوئی از این مرحله جلوتر آمده است و گفته مجعول در استصحاب علم است ولی نه صرفا به لحاظ جری عملی بلکه به لحاظ کاشفیت آن. استصحاب کاشفیت دارد. از شما یک کسی را در حیاط دیدید. بعد میروید بیرون و یکی از شما سئوال میکند که که آقای فلانی در مدرسه است. شما به راحتی میگویید بله هست. مردم در تعاملات شان اینطوری است.­و کسی دقیق نمیشود و بگوید 3 دقیقه پیش بود شاید الان نباشد. نه مردم در این موراد راحت میگویند بله است و 80 درصد در ذهن شان هست که الان اونجاست یعنی ظن­آور است اتفاقا است. و لذا مبنای آقای خوئی این است که ایشون استصحاب را از امارات میدانند. - وقتی میگوییم ظن آور است یعنی دارد مثل اماره کار میکند برایمان چرا که در اصول عملیه تنها وظیفه عملی را مشخص میکرد و خبری از واقع نمیداد که بحث ظن یا قطع یا کاشفیت پیش بیاید.–

\*- 2/324 : برخی اشکال کردند مگر می­شود که اصل نازل منزله یقین باشد بلکه احتمال مقوم اصل نازل منزله یقین است.